

رفع ابهام از گزارش اصلاحی در رویه قضایی

فرید صحرایی*

جواد جمشیدی**

چکیده

مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی طرفین در هر مرحله از دادرسی می‌توانند دعوای خود را با سازش خاتمه دهند و پس از حصول سازش میان طرفین، دادرس براساس سازش‌نامه‌ای که بر مفاد آن توافق کرده‌اند، اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید. چنانچه در گزارش اصلاحی که دادرس صادر کرده ابهامی وجود داشته باشد، چگونگی رفع ابهام از آن در قوانین موضوعه مسکوت مانده و قانون‌گذار احکام خاصی در این رابطه مقرر ننموده است. امری که موجب ایجاد مانع بر اجرای گزارش اصلاحی شده و تمامی مزایای ارزشمند این عمل را با مشکل مواجه خواهد ساخت. در رابطه با چگونگی رفع ابهام نظرات متفاوتی ممکن است ارائه شود که عبارت‌اند از: رفع ابهام براساس محتویات پرونده، دعوت طرفین در راستای رفع ابهام، برداشت دادرس از سازش‌نامه و عدم قابلیت اجرای گزارش اصلاحی. به نظر می‌رسد که دادرس باید مراحل را در راستای رفع ابهام رعایت نماید. ابتدا با مذاقه در محتویات پرونده از جمله سازش‌نامه میان طرفین، اقدام به رفع ابهام کند و در صورتی که رفع ابهام ممکن نبود، طرفین را دعوت و اراده آنان را کشف نماید. در انتها چنانچه رفع امکان میسر نشد، گزارش اصلاحی را فاقد وصف اجرایی اعلام کند. باری این مقاله با روشی تحلیلی توصیفی ضمن ذکر ارائه دو نمونه از گزارش اصلاحی مبهم در

* کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکر دانشگاه قم و قاضی دادگستری، کرج، ایران

sahraei.farid@gmail.com

javadjamshidi3030@gmail.com

** قاضی دادگستری، تهران، ایران

رویه قضایی و تشریح ماهیت و اوصاف مهم آن چگونگی رفع ابهام از گزارش
اصلاحی را بررسی خواهد کرد.

واژگان کلیدی: گزارش اصلاحی، سازش، ابهام، صلح، رأی

نمونه گزارش اصلاحی مبهم در رویه قضایی

وقایع پرونده الف:

براساس دادخواستی که آقای ا.ر. با وکالت ج.ر. به طرفیت آقای ف.ا. به خواسته الزام به ایفای تعهد مبنی بر تحویل الباقی آهن آلات و ضایعات برنده شده در مزایده شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی واقع در انبار نفت البرز مطرح کرده است، خواهان مدعی شده که طی قرارداد عادی میان طرفین خوانده متعهد شده است که ضایعاتی که در مزایده شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی البرز برنده شده را در برابر بیست میلیون تومان به خواهان تحویل نماید. خواهان میزان ضایعات را ۱۸۴۹۰ کیلوگرم آهن آلات، ۱۰۸۰ کیلوگرم آلومینیوم و ۱۷۲۱ کیلوگرم پلاستیک اعلام کرده است که در نهایت پس از طی تشریفات قانونی قاضی شعبه ۳۷ شورای حل اختلاف کرج خوانده را محکوم به تحویل الباقی ضایعات به میزان مابه‌التفاوت مقدار تناژ استعلام شرکت نفت با مقدار تناژ حمل شده توسط خواهان به مقدار ۱۹۱/۱۳ کیلوگرم در قبال پرداخت الباقی ثمن قرارداد به میزان ۳۷/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال و هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل می‌نماید. خوانده اقدام به تجدیدنظرخواهی از رأی صادره می‌کند که شعبه چهارم دادگاه حقوقی کرج به موجب دادنامه ۰۱۴۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۲ ضمن رد تجدیدنظرخواهی حکم به تأیید رأی معترض‌عنه صادر می‌کند. خوانده در اقدام دیگر نسبت به دادنامه مذکور از شعبه چهارم دادگاه حقوقی دادخواست اعاده دادرسی مطرح می‌کند که در این مرحله طرفین با یکدیگر سازش کرده و دادگاه به موجب گزارش اصلاحی^۱ شماره ۰۰۲۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۸ اتخاذ تصمیم می‌نماید. متن گزارش اصلاحی مذکور به شرح ذیل است:

مشخصات گزارش اصلاحی

شماره دادنامه: ۹۸۰۹۹۷۲۶۱۰۴۰۰۲۱۰

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸

خواستنه: اعاده دادرسی

مرجع صادرکننده: شعبه چهارم دادگاه حقوقی کرج

۱. در سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی (سمپ) به گزارش اصلاحی نیز شماره دادنامه داده می‌شود.

متن گزارش اصلاحی

«پیرامون درخواست اعاده دادرسی آقای ف.ا فرزند ح نسبت به دادنامه شماره ۰۱۴۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۲ این شعبه طرفین به موجب صورتجلسه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۶ اظهار داشتند که با یکدیگر به توافق نمودیم به این کیفیت که مجموع آهن آلات و آلومینیوم فروخته شده به برنده مزایده آقای ف.ا در سال ۹۶ تا مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۰ به همراه مقادیر هر یک به تفکیک از شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی استان البرز استعلام و پس از وصول نتیجه استعلام و معیار مجموع تعهدات تحویل آهن آلات آقای ف.ا براساس مجموع اعلامی با کسر میزان انتقالی توسط آقای ار. به خارج از شرکت می‌باشد و خواهان اعاده دادرسی موظف به تحویل مابه‌التفاوت فوق به خواننده درخواست اعاده دادرسی خواهد بود. طرفین تقاضای صدور گزارش اصلاحی به شرح فوق نمودند و دادگاه مبتنی بر توافق ایشان ضمن الغای اثر از دادنامه موضوع اعاده دادرسی به استناد مواد ۱۷۸، ۱۸۲ و ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید و مفاد آن برای طرفین و قوائم مقام قانونی آن‌ها لازم‌الاتباع است.»

به نظر می‌رسد که مفاد سازش طرفین بدین صورت بوده که با استعلام از شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی هر میزان که آقای ف.ا در مزایده ضایعات برنده شده با کسر مقادیر دریافتی به آقای ار. تحویل شود. اما علی‌رغم استعلامات متعدد در مراحل رسیدگی و اجرا شرکت پخش فرآورده‌های نفتی استان البرز پاسخ‌های متعددی در خصوص مزایده ۱-۹۶ ارائه کرده است. برای مثال در نامه شماره ۸۲۰/۳/۵۶۹۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۲ مقادیر فروخته شده به آقای ف.ا را تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۰ ۸/۲۰۰ کیلوگرم آهن آلات و ۱/۲۶۰ کیلوگرم آلومینیوم اعلام کرده است و در نامه شماره ۸۲۰/۳/۱۶۴۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ ضمن اعلام مقادیر مذکور در نامه قبلی اعلام داشته که مقادیر دیگری از جمله ۶/۷۷۰ کیلوگرم آهن آلات و مقادیری پلاستیک در قالب الباقی مزایده ۱-۹۶ به آقای ف.ا تحویل شده است. چنین استنباط می‌شود که محل ابهام در سازش و سپس در گزارش اصلاحی در این خصوص باشد که آیا قرارداد اولیه آنان شامل باقیمانده اقلام تحویل شده به آقای ف.ا در قالب الباقی مزایده ۱-۹۶ شده است یا خیر. به عبارت دیگر میزان اعلامی که آقای ف.ا باید به آقای ار. به موجب گزارش اصلاحی تحویل دهد

مبهم بوده و هریک از طرفین در اجرای احکام ادعایی خلاف اظهارات طرف دیگر مطرح کرده است. در ادامه واحد اجرای احکام به منظور اجرای حکم و رفع ابهام از گزارش اصلاحی از شعبه صادرکننده استعلام به عمل می‌آورد تا میزان دقیق ضایعاتی که آقای ف.ا باید به آقای ا.ر تحویل دهد، مشخص گردد. قاضی صادرکننده چندین مرتبه از شرکت ملی فرآورده‌های نفتی استعلام می‌نماید تا مفاد توافق طرفین را روشن سازد که با پاسخ‌های مذکور مواجه می‌گردد و در نهایت ضمن صورتجلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ قاضی شعبه چهارم دادگاه حقوقی به این علت که در گزارش اصلاحی صادره ارقام تحویل شده تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۰ قید شده سایر ارقام را مشمول توافق طرفین ندانسته و میزان ارقام را تنها ۸/۲۰۰ کیلوگرم آهن‌آلات و ۱/۲۶۰ کیلوگرم آلومینیوم تلقی نموده است.

وقایع پرونده ب:

به موجب دادخواستی که خانم ز.ا به طرفیت خانم را.ا به خواسته مطالبه یک فقره چک به به مبلغ ۱۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه و خسارات دادرسی در شعبه ... شورای حل اختلاف شهرستان کرج مطرح کرده است، خواننده دعوی به صورت غیابی محکوم به پرداخت مبلغ مذکور و خسارت تأخیر تأدیه و خسارات دادرسی می‌شود. محکوم‌علیه غایب اقدام به واخواهی از رأی صادر شده می‌نماید که پس از برگزاری جلسه رسیدگی در مرحله واخواهی و استماع اظهارات و دفاعیات واخواه قاضی رسیدگی‌کننده بخشی از دادنامه معترض‌عنه را نقض و واخواه را به پرداخت مبلغ هفتاد میلیون و سیصد و سی هزار ریال به عنوان اصل خواسته و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۶ لغایت اجرای حکم و هزینه دادرسی در حق واخوانده محکوم می‌نماید. واخواه از رأی مذکور تجدیدنظرخواهی کرده که پس از طی تشریفات قانونی شعبه ... دادگاه عمومی حقوقی شهرستان کرج دادنامه معترض‌عنه را تأیید می‌کند. پس از قطعیت رأی صادر شده خانم را.ا اقدام به طرح دعوی اعسار از پرداخت محکوم‌به می‌نماید که در این مرحله طرفین با یکدیگر سازش کرده و در نهایت گزارش اصلاحی بدین شرح صادر می‌شود:

مشخصات گزارش اصلاحی

شماره دادنامه: ۹۸۰۹۹۷۲۶۷۹۳۰۰۷۹۸

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

خواسته: مطالبه وجه چک

مرجع صادرکننده: شعبه ۲۶ شورای حل اختلاف کرج

متن گزارش اصلاحی

«با استعانت از خداوند متعال در خصوص دعوی خانم را به طرفیت خانم ز.ا به خواسته اعسار از پرداخت محکوم‌به و تقسیط آن موضوع دادنامه شماره ... در پرونده کلاسه بایگانی ... صادره از این شعبه که طبق آن خواهان اعسار باید مبلغ هفتاد میلیون و سیصد و سه هزار ریال به انضمام خسارات قانونی به خواننده بپردازد که باتوجه به توافق طرفین طبق صورتجلسه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۵ و مستند به مواد ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۴ و ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بدین شرح گزارش اصلاحی صادر و اعلام می‌نماید: ۱- (خواهان اعسار) وجه محکوم‌به به مبلغ هفتاد میلیون و سیصد و سه هزار ریال تا استهلاك کامل دین به خواننده پرداخت نماید. اقساط از تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۳۰ و پس از آن سی‌ام همراه به شماره کارت خواننده که در جلسه رسیدگی به خواهان داده شده واریز می‌گردد. ۲- در صورت عدم پرداخت هر قسط کل اقساط حال می‌گردد. ۳- خواهان حق اعتراض و حق تعدیل اعسار را از خود سلب نمود. ۴- با اتمام (پرداخت) اقساط، اصل چک به شعبه تحویل می‌گردد تا برابر مقررات قانونی تحویل خواهان اعسار شود. مفاد گزارش اصلاحی نسبت به طرفین و وراث و قائم‌مقام قانونی آن‌ها نافذ و معتبر بوده و مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود.»

سپس خانم را اقساط متعهد شده در گزارش اصلاحی را به موقع پرداخت نموده و تقاضای مختومه شدن پرونده را مطرح می‌سازد. اما خواننده دعوی اعسار خانم ز.ا مدعی عدم دریافت خسارت تأخیر تأدیه بوده و از شعبه صادرکننده تقاضای صدور اجرائیه نسبت به خسارت تأخیر تأدیه را ارائه می‌کند. شعبه صادرکننده رأی با اجابت درخواست خانم ز.ا اقدام به صدور اجرائیه نسبت به خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک لغایت تقدیم دادخواست اعسار مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۳ و خسارات دادرسی می‌نماید. در واحد اجرای احکام مدنی باتوجه به این‌که در گزارش اصلاحی صادر شده در دعوی اعسار از پرداخت محکوم‌به مطالبی

راجع به خسارت تأخیر تأدیه ذکر نشده است از قاضی شعبه مربوطه تقاضای ارشاد می‌نماید. در نهایت قاضی صادرکننده گزارش اصلاحی طی مکاتبه‌ای بدین شرح اقدام به ارشاد و رفع ابهام می‌کند:

«بازگشت به نامه شماره ... مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۸ در دادنامه اعسار (گزارش اصلاحی) اعلام شده است که خواهان (اعسار) به پرداخت مبلغ هفتاد میلیون و سیصد و سی هزار ریال به انضمام خسارات قانونی در حق خوانده محکوم شده است. لذا مطابق مقررات قانونی تقسیط در خصوص اصل محکوم‌به انجام می‌شود و شامل ملحقات خواسته (نیز) می‌گردد. بنابراین جمله تا استهلاک کامل دین از این جهت است و شامل اصل خواسته و ملحقات آن می‌گردد».

مقدمه

امروزه تأثیرات مطلوب سازش طرفین پس از تنازع میان آن‌ها و سهمی که این امر در تحقق اهداف ایجاد ساختار قضایی در جامعه دارد بر کمتر کسی پوشیده است. قانون‌گذار هم بر این امر واقف بوده و در آخرین اراده‌های خود از جمله در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ و مواد ۱، ۲، ۱۱ و ۱۲^۴ لایحه شوراهای حل اختلاف تصمیم بر گسترش نهاد صلح و سازش دارد. با این حال قوانین در این رابطه با این موضوع اندک و پراکنده هستند و در بسیاری موارد حکمی وجود ندارد. ممکن است چنین به نظر برسد با توجه به این که گزارش اصلاحی رأی به مفهوم خاص خود نیست، نقد و بررسی آن هم فاقد وجهت است، اما همان‌گونه

۱. «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست...».

۲. «به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار شورا نامیده می‌شوند، زیر نظر قوه قضاییه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردند».

۳. «کلیه دعوای مالی راجع به اموال منقول تا نصاب یک میلیارد ریال، جهت حصول صلح و سازش، ابتدا به شورای حل اختلاف ارجاع می‌شود».

۴. «شوراها در موارد زیر حسب مورد با درخواست خواهان یا مدعی خصوصی یا شاکی برای صلح و سازش اقدام می‌نمایند:

۱- کلیه امور مدنی و حقوقی ۲- جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت ۳- کلیه جرائم قابل گذشت ...».

که برخی اشاره کرده‌اند «هدف از نقد رأی در واقع نقد استنباط محاکم و مراجع قضایی از قوانین، مقررات، موضوعات و چگونگی تطبیق حکم به موضوع است (اعظمی، ۱۳۹۱: ۲). بدین ترتیب نقد گزارش اصلاحی به عنوان یک عمل قضایی به میزان سایر اعمال و تصمیمات قضایی درخور اهمیت و شایسته توجه است. در همین راستا قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته است که پس از حصول سازش میان طرفین دادرسی اقدام به صدور گزارش اصلاحی خواهد کرد. گزارش اصلاحی اگرچه در قانون دارای عنوان خاصی است اما همان‌گونه که قانون‌گذار اشاره کرده «مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود». بنابراین حداقل از منظر اجرایی شباهت بسیاری به احکام دارد. حال چنان‌چه در گزارش اصلاحی ابهامی وجود داشته باشد چگونگی رفع ابهام از آن در قانون ساکت است. در باب فرآیند، مراحل و شرایط رفع ابهام نیز در قانون حکمی وجود ندارد. دکتترین هم به شکل ویژه‌ای این امر را بررسی نکرده و رویه قضایی نیز پاسخ ثابت و مشخصی ندارد و هر مرجع قضایی رویه متفاوتی اتخاذ کرده است. در این نوشتار تلاش شده تا با توصیف ماهیت گزارش اصلاحی و اوصاف مهم آن ضمن ارائه دو نمونه از گزارش اصلاحی مبهم در رویه قضایی چگونگی و مراحل رفع ابهام از آن تشریح شود.

تحلیل و نقد

با دقت در وقایع پرونده‌های مذکور مشخص می‌شود که در پرونده «الف» پس از آن که ابهامی در گزارش اصلاحی موصوف مشخص شده است، قاضی صادرکننده رأی با توجه به مستندات موجود در پرونده و استعلامات لازم اقدام به رفع ابهام نموده است. اما در پرونده «ب» قاضی با ملاحظه مفاد گزارش اصلاحی و باتوجه به اصول حاکم بر دعوی اعسار و تقسیط محکوم‌به ابهام موجود را برطرف می‌سازد. حال این پرسش‌ها به میان می‌آید که آیا چنین اقداماتی به منظور رفع ابهام از گزارش اصلاحی صحیح است؟ آیا دادرسی می‌تواند تنها با اتکا به مدارک و مستندات کسب شده یا اصول حاکم بر دادرسی اقدام به رفع ابهام از گزارش اصلاحی نماید؟ آیا قصد طرفین در سازش به عمل آمده نباید مورد بررسی قرار گیرد؟ واضح است که در زمان سازش تنها اراده طرفین دعوی در ماهیت امر موثر

می‌باشد و دادرس نمی‌تواند در تعهداتی که طرفین به موجب گزارش اصلاحی برعهده گرفته‌اند، تغییری ایجاد کند، با این حال به نظر می‌رسد که در پرونده «الف» کشف اراده طرفین صورت نگرفته و صرفاً براساس آنچه که در متن مبهم گزارش اصلاحی و استعلامات به عمل آمده وجود داشته، دادرس اقدام به رفع ابهام نموده است. در پرونده «ب» نیز مشابه پرونده «الف» قصد و اراده طرفین مغفول مانده و دادرس براساس اصول حاکم بر دعوای اعسار و نه آنچه که طرفین توافق کرده‌اند، ابهام موجود در گزارش اصلاحی را برطرف ساخته است. اما همان‌گونه که در ادامه این نوشتار اشاره خواهد شد، سازش را باید نوعی توافق و قرارداد دانست که میان طرفین یک منازعه منعقد می‌شود و مقام رسیدگی‌کننده به اختلاف نمی‌تواند براساس برداشت خود یا اصول حاکم بر دعوی ابهامات موجود در گزارش اصلاحی را رفع نماید. چراکه این اقدام نوعی دخالت در اراده طرفین پرونده بوده و براساس قواعد و مقررات قانونی نیز چنین امکانی به دادرس اعطا نشده است. برای مثال در ماده ۲۳۰ قانونی مدنی مقرر شده است که «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است محکوم کند». بدین ترتیب مشخص می‌شود که قانون‌گذار اراده طرفین را در مقام انعقاد قرارداد محترم شمرده و امکان تغییر مفاد توافق طرفین را به هیچ شخصی از جمله دادرس نداده است. در رابطه با این دو پرونده از نظر ما می‌بایست طرفین مجدداً دعوت شده و دادرس اراده آن‌ها را به گونه‌ای که توافق کرده‌اند، کشف می‌نمود و چنانچه امکان کشف اراده و محتوای توافق طرفین ممکن نبود، گزارش اصلاحی فاقد وصف اجرایی اعلام می‌شد. با این حال به منظور تشریح بهتر موضوع و علت نقد تصمیمات مذکور و ارائه دیدگاه پیشنهاد شده می‌بایست ماهیت و اوصاف گزارش را بررسی و نظریاتی که ممکن در خصوص چگونگی رفع ابهام از گزارش اصلاحی مطرح شود، مورد مذاقه و کنکاش قرار گیرد که در ادامه بیان خواهد شد.

۱. ماهیت و اوصاف گزارش اصلاحی

پیش از بحث در باب چگونگی رفع ابهام از گزارش اصلاحی لازم به نظر

می‌رسد تا به طور مختصر مطالبی در خصوص ماهیت و مهم‌ترین اوصاف گزارش اصلاحی بیان شود. این امر موجب می‌شود تا به پرسش چگونگی رفع ابهام بهتر پاسخ داده شود.

۱.۱. ماهیت گزارش اصلاحی

قانون‌گذار مبحث اول از فصل نهم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی^۱ را به سازش اختصاص داده است و در ماده ۱۷۸ این قانون مقرر کرده است که «در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوای خود را به طریق سازش خاتمه دهند».^۲ در فرهنگ دهخدا سازش به معنای توافق، آشتی، حصول توافق بین دو طرف، حصول صلح و آشتی بکار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷؛ ۱۳۲۶۷). در فرهنگ معین نیز سازش به معنای صلح، توافق و موافقت دانسته شده است (معین، ۱۳۸۱؛ ۸۱۴). در فرهنگ‌نامه عمید نیز تقریباً همین معانی برای سازش شناخته شده است (عمید، ۱۳۸۹؛ ۶۲۲). بدین ترتیب همان‌گونه که از معنای لغوی سازش برمی‌آید، توافق طرفین در امری مهم‌ترین معنای کاربردی این واژه است و ماهیت آن را تا حد بسیاری به قرارداد به ویژه عقد صلح نزدیک می‌کند. سازش ممکن است در هر مرحله از دادرسی، در دادگاه یا خارج از دادگاه، به صورت سازش‌نامه رسمی یا غیررسمی باشد که در این صورت «... طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند...». براساس ماده ۱۸۴ قانون مذکور با حصول سازش میان طرفین رسیدگی خاتمه پیدا می‌کند و دادگاه با توجه به مفاد سازش طرفین گزارش اصلاحی صادر می‌کند. در رابطه با ماهیت گزارش

۱. به اختصار قانون آیین دادرسی مدنی

۲. اگرچه در برخی موارد قانون‌گذار اقدام ابتدایی به سازش را برای طرفین پیش از طرح دعوی الزامی نموده است، مانند ماده ۴۲ قانون توزیع عادلانه آب که در آن مقرر داشته است که «در مورد بهره‌برداری از آب‌های سطحی حل اختلاف حاصل در امر تقدم یا اولویت و نحوه میزان برداشت و تقسیم و مصرف آب و همچنین اختلافاتی که موجب تأخیر آبرسانی می‌شود ابتدا باید از طریق کدخدا منشی توسط سرآبیاران و میرآبان با همکاری شوراهای محلی در صورتی که وجود داشته باشد فیصله پذیرد و در صورت ادامه اختلاف به دادگاه صالح مراجعه می‌نماید». در برخی موارد نیز این امر منوط به تشخیص دادرسی است.

اصلاحی میان حقوق دانان اختلاف نظر است. اگرچه نظرات متعددی ارائه شده است (ابهری و کاویار، ۱۳۹۳: ۳۴۱) اما در این میان به نظر می‌رسد که دو دیدگاه طرفدار بیشتری دارد؛ گروه نخست که باید آنان را اکثریت دانست، ماهیت گزارش اصلاحی را قرارداد و نوعی عقد صلح می‌دانند.^۱ گروه دوم اما معتقدند که گزارش اصلاحی اگرچه براساس سازش‌نامه میان طرفین دعواست، اما در نهایت حکم محسوب می‌شود.^۲

با این حال از دیدگاه ما اگرچه گزارش اصلاحی در ابتدا مبتنی بر توافق طرفین و نوعی عقد است اما پس از توافق طرفین و احراز آن از سوی دادرس، به موجب یک عمل قضایی و در تحت عنوان خاصی به منصف ظهور خواهد رسید و ماهیت و ساختار نوینی پیدا خواهد کرد. به بیانی دیگر گزارش اصلاحی در دو مرحله ایجاد می‌شود: نخست طرفین دعوی یا منازعه اقدام به انعقاد توافق یا سازشی می‌کنند که موجب ختم رسیدگی دادگاه می‌گردد و سپس دادرس این سازش را در قالب مخصوصی که مانند احکام به اجرا گذاشته می‌شود، منتشر می‌سازد. نحوه نگارش ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز که قانون‌گذار دو گزاره را از طریق حرف ربط «و او» به یکدیگر متصل کرده است، موید این مطلب است.^۳ بنابراین برخلاف

-
۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به کانونیان، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، ص ۱۲۸. شمس، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد ۲، ص ۲۶۹. لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۵۸۳. مهاجری، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ص ۲۴۹. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۵/۲۴۶۰، مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۸. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۶/۷۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۰۳. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۸/۱۸۶۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۷. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۵/۳۳۳۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۳. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۲۰۶۷ مورخ ۱۳۸۲/۰۸/۱۳. نظر هیئت عالی در نشست قضایی استان البرز/شهر کرج مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۸. نظر هیئت عالی و اکثریت در نشست قضایی استان مازندران/شهر ساری مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۲. نظر اکثریت در نشست قضایی استان گلستان/شهر گرگان مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۲۰.
 ۲. دادنامه شماره ۵۸۴/۰۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۷ به نقل از کارچانی و عبدالمهی، گزارش نشست نقد رأی: اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی، ص ۲۰۰. (دادنامه شماره ۳۱۸ مورخ ۱۳۸۲/۰۸/۱۰ به نقل از ابهری و کامیار، اعتبار گزارش اصلاحی، ص ۳۲۰. رأی شماره ۲۴۸۴ شعبه چهارم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۶ به نقل از همان).
 ۳. «دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید...».

آنچه که برخی صاحب‌نظران گفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۶؛ ۱۲۸)، آنچه را که باید قرارداد واقعی تلقی نمود سازش طرفین است نه گزارش اصلاحی. واضح است که اعمال و تصمیمات قضایی منحصر به رأی (حکم و قرار) نیست، بلکه دادرسی در قالب‌های دیگر که عبارت‌اند از دستور (مانند دستور تخلیه)، گواهی (مانند گواهی انحصار ورثه) و گزارش اصلاحی عمل می‌کند. با این توضیح در حقوق موضوعه ایران گزارش اصلاحی را باید دارای ماهیتی ویژه اما مبتنی بر سازش و توافق طرفین دانست.

۲.۱. اوصاف گزارش اصلاحی

۱.۲.۱. شمول قاعده فراغ دادرسی

به منظور بررسی شمول قاعده فراغ دادرسی در رابطه با گزارش اصلاحی ابتدا می‌بایست به این پرسش پاسخ داده شود که آیا دادرسی پس از صدور گزارش اصلاحی می‌تواند دعوای ابطال آن را استماع کند یا خیر؟ چراکه براساس قاعده فراغ دادرسی زمانی که قاضی در پرونده‌ای حکمی (و قرار سقوط دعوی) صادر می‌کند دیگر نمی‌تواند حتی با رضایت اصحاب دعوی در آن تغییری دهد (شمس، ۱۳۹۳؛ ۲۱۴). به بیانی دیگر چنانچه معتقد باشیم که دعوای ابطال گزارش اصلاحی در مرجع صادرکننده آن قابل استماع است، به نوعی شمول قاعده فراغ دادرسی را منتفی دانسته‌ایم. بسیاری از استادان امکان استماع دعوای ابطال گزارش اصلاحی را ممکن دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۶؛ ۱۲۸) (شمس، ۱۳۹۳؛ ۲۶۹)، اداره حقوقی نیز در نظریات متعددی استماع دعوای ابطال را به طور صریح یا ضمنی پذیرفته است^۱. از دیدگاه ما نیز باتوجه به این‌که گزارش اصلاحی رأی به معنای خاص خود نیست و استنباط قاضی از موضوع طرح شده نزد او نمی‌باشد و مبنای آن توافق و سازش طرفین است، لذا استماع دعوای ابطال با منعی مواجه نخواهد بود. بدین ترتیب قاعده فراغ دادرسی در خصوص گزارش اصلاحی جاری نمی‌باشد و

۱. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۸/۳۲۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۷. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۶/۱۷۲۲ مورخ

۱۳۹۶/۰۷/۲۲. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۶/۵۷۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۰۹. اداره حقوقی، ن.ش ۷/۹۷/۲۹۷۴

هریک از طرفین می‌تواند به دلایلی از جمله اشتباه در سازش، نداشتن اهلیت یا تدلیس در سازش دعوای ابطال گزارش اصلاحی را مطرح سازد.

۲.۲.۱. شمول قاعده اعتبار امر قضاوت شده

در رابطه با این پرسش که آیا گزارش اصلاحی دارای اعتبار امر قضاوت شده (اعتبار امر مختوم) است یا خیر، علی‌رغم این که برخی از صاحب‌نظران معتقدند که گزارش اصلاحی فاقد اعتبار امر قضاوت شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۶؛ ۱۲۸)، اما به نظر می‌رسد که پس از صدور گزارش اصلاحی جواز رسیدگی مجدد به موضوع گزارش اصلاحی وجود نداشته باشد. به بیانی دیگر پس از آن که طرفین پرونده سازش کردند و دادرس براساس سازش آنان اقدام به صدور گزارش اصلاحی نمود، یکی از طرفین نمی‌تواند مفاد سازش و گزارش اصلاحی را نایده گرفته و دوباره در خصوص همان موضوع با وحدت سبب و اصحاب، طرح دعوی کند. اما در عین حال چنانچه مفاد توافق و سازش طرفین دارای ایراد اساسی باشد (مانند این که متعهد در زمان سازش فاقد اهلیت باشد) امکان طرح دعوای ابطال گزارش اصلاحی به دلیل آن ایراد متصور است. بدین ترتیب گزارش اصلاحی را باید دارای نوعی خاص از اعتبار امر قضاوت شده دانست. پذیرش دیدگاهی غیر از این به سه دلیل نادرست خواهد بود: نخست آن که با فلسفه و روح حاکم بر وضع قاعده اعتبار امر قضاوت شده که جلوگیری از تکرار و فصل دعوای است، مخالف است. دوم آن که با ظاهر قانون در تعارض است، چراکه قانون‌گذار گزارش اصلاحی را به احکام تشبیه کرده و واضح است که احکام دارای اعتبار امر قضاوت شده هستند (شمس، ۱۳۹۳؛ ۲۱۵). سومین دلیل نیز این است که با عقل در تعارض خواهد بود، چراکه در این صورت صدور گزارش اصلاحی عملی لغو خواهد بود. چنانچه به طور مطلق بپذیریم که گزارش اصلاحی فاقد اعتبار امر قضاوت شده است، در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان دعوایی که یکی از طرفین با نادیده انگاشتن گزارش اصلاحی با وحدت موضوع، اصحاب و سبب طرح کرده است، دوباره مورد رسیدگی قرار نداد، با مشکل مواجه خواهیم شد.

۲.۳.۱. حاکمیت امر مختوم (قابلیت اعتراض)

حاکمیت امر مختوم به معنای این است که تصمیم صادر شده از سوی دادرس

قابل اعتراض، پژوهش و فرجام نباشد. به عبارت دیگر از طرق عادی و فوق العاده شکایت از آرا قابل رسیدگی مجدد نخواهد بود. در خصوص گزارش اصلاحی باتوجه به این که گزارش اصلاحی رأی نمی‌باشد و اعتراض، پژوهش و فرجام تنها نسبت به آرا پیش‌بینی شده است، بنابراین گزارش اصلاحی دارای حاکمیت امر مختوم است و پس از صدور آن باتوجه به مفاد آن لازم‌الاجرا و به نوعی قطعی خواهد بود.

۲. چگونگی رفع ابهام

ممکن است در تصمیماتی که دادرس اتخاذ می‌کند ابهام یا ابهاماتی وجود داشته باشد. قانون‌گذار به این مسئله آگاهی داشته و به همین دلیل در ماده ۲۷ قانون اجرای احکام مدنی به صراحت امکان وجود ابهام در احکام را شناسایی و به منظور رفع ابهام راهکار ارائه نموده است. اگرچه مقرر مذکور تنها به احکام اشاره داشته اما با وحدت ملاک، حکم عقل و با در نظر گرفتن روح حاکم بر قانون می‌توان اقدام به رفع ابهام از گزارش اصلاحی را نیز در زمره تکالیف دادگاه صادرکننده حکم دانست (مهجری، ۱۳۹۷؛ ۲۱۰). با این وجود قانون در رابطه با چگونگی رفع ابهام مطالبی را عنوان ننموده است. در خصوص احکام با توجه به این که حکم، از سوی دادرس صادر شده و تصمیم‌گیرنده نهایی اوست، مشکلی چندانی متصور نیست، دادرس با ملاحظه مدارک و مستندات موجود در پرونده و در نهایت حکمی که صادر کرده است، اقدام به رفع ابهام می‌کند. اما در رابطه با گزارش اصلاحی موضوع متفاوت است، چراکه مبنای گزارش اصلاحی سازش یا توافق طرفین بوده و اراده دادرس در چگونگی توافق آنان دخالت نداشته است. بنابراین چنانچه ابهام مربوط به محدوده اراده طرفین شود، به نظر می‌رسد که دادرس نتواند اراده خود را در توافق طرفین میان خواهان و خوانده وارد نماید. امری که موجب شده برخی از صاحب‌نظران در این شرایط دادرس را در مقام یک مأمور رسمی و نه قاضی اعلام کرده‌اند (شمس، ۱۳۹۹؛ ۱۲۶). باری، به منظور تشریح بهتر چگونگی رفع ابهام نظرات مختلفی ممکن است ارائه شود که در ادامه این نظرات را نام برده و بررسی می‌گردد.

۱.۲. رفع ابهام براساس محتویات پرونده

براساس این دیدگاه چنانچه ابهامی در گزارش اصلاحی وجود داشته باشد، دادرس با ملاحظه محتویات پرونده از جمله سازش نامه (رسمی یا غیررسمی) میان طرفین، ابهام مندرج در گزارش اصلاحی را برطرف خواهد نمود. با این حال به نظر می‌رسد که دیدگاه مذکور اختصاص به مواردی دارد که ابهام گزارش اصلاحی از جمله امور جزئی و سطحی بوده که رفع ابهام از آن پیچیدگی خاصی ندارد و به عبارت دقیق‌تر کشف اراده طرفین نیاز نبوده و یا با مشکلی مواجه نیست. برای مثال در گزارش اصلاحی که براساس آن خواننده متعهد شده تا مبلغ مشخصی را به صورت اقساط در زمان‌های مشخصی به خواننده پرداخت نماید، چنانچه تاریخ یکی از اقساط در گزارش اصلاحی درج نشود، دادرس می‌تواند با مراجعه به سازش نامه تاریخ موردنظر را به واحد اجرای احکام اعلام نماید. یا در موردی که خواننده متعهد شده تا اموالی را به خواهان مسترد نماید و برای اجرای احکام در خصوص مشخصات دقیق اموال ابهام ایجاد گردیده است، دادرس با مراجعه به مستندات ابرازی خواهان در زمان طرح دعوی ابهامات مربوط به مشخصات را برطرف خواهد نمود. بخش نخست ماده ۲۹ قانون اجرای احکام مدنی این نظر را تأیید می‌کند. براساس این ماده «در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم هریک از طرفین می‌تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد. دادگاه در وقت فوق‌العاده رسیدگی و رفع اختلاف می‌کند...». اما چنانچه موضوع ابهام از مواردی نباشد که بتوان در وقت فوق‌العاده با مراجعه به محتویات پرونده برطرف گردد، چه اقدامی باید انجام داد؟ در این صورت به نظر می‌رسد که دیدگاه فوق و بخش نخست ماده مذکور راهگشا نباشد. در بسیاری موارد ابهام موجود در گزارش اصلاحی ابتدا در سازش میان طرفین وجود داشته و سپس به گزارش اصلاحی منتقل شده است. در این فرض مراجعه به محتویات پرونده موثر نخواهد بود. به همین دلیل برخی معتقد به دیدگاه دیگری هستند که در ادامه بررسی خواهد شد.

۲.۲. دعوت طرفین

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در موارد بسیاری ممکن است ابهامی در

گزارش اصلاحی وجود داشته باشد که صرف مراجعه به محتویات پرونده از جمله سازش‌نامه میان طرفین نمی‌تواند کمکی به رفع ابهام نماید. بدین منظور در این موارد می‌بایست دادرسی^۱ با دعوت مجدد طرفین قصد طرفین در سازش‌نامه منعقد شده را مشخص نماید. علت دعوت طرفین و کشف اراده آنان این است که اراده دادرسی در ایجاد سازش و گزارش اصلاحی بی‌تأثیر است و همان‌گونه که اشاره شد و برخی بیان کرده‌اند در گزارش اصلاحی دادرسی همچون یک سردفتر اقدام می‌نماید (شمس، ۱۳۹۳؛ ۲۶۹). به عبارت دیگر اراده دادرسی نقشی در انعقاد سازش نداشته و نمی‌تواند مستقلاً تغییری در مفاد توافق طرفین ایجاد نماید یا امری به آن اضافه کند. به همین دلیل است که یکی از شعب دیوان عالی کشور تصمیم دادرسی در خصوص گزارش اصلاحی که در غیاب برخی از اصحاب دعوی اقدام به تغییر مفاد گزارش اصلاحی نموده است، مخدوش و فاقد وجهت قانونی دانسته و در راستای اعمال مفاد بند ۲ از ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ ضمن نقض، آن را به شعبه‌ای دیگر ارجاع داده است (صمدی اهری، ۱۳۷۸؛ ۱۳۱).^۲ مفاد بخش دوم ماده ۲۹ قانون اجرای احکام مدنی

۱. اعم از این که دادرسی، صادرکننده گزارش اصلاحی باشد یا دادرسی اجرای احکام مدنی که در راستای اعمال مفاد ماده ۶ دستورالعمل ساماندهی و تسریع در اجرای احکام مدنی انجام وظیفه می‌نماید.

۲. «گزارش اصلاحی مورخ ۷۲/۱۰/۹ تنظیمی به وسیله آقای دادرسی شعبه ۱۴۵ کیفری ۱ تهران در پرونده کیفری کلاسه ۳۵۶/۱۴۵/۱۷۲ آن شعبه و همچنین رأی و تصمیم مورخ ۷۳/۷/۲۰ آقای دادرسی مذکور تحت عنوان تصحیح و اصلاح گزارش اصلاحی مرقوم به جهات زیر مخدوش و فاقد مجوز قانونی است زیرا صرف‌نظر از اینکه صدر و ذیل گزارش اصلاحی مذکور با یکدیگر در تضاد است به این معنی که در صدر آن قید شده ((چنانکه آقای ... ظرف مدت سه ماه مبلغ ۹ میلیون تومان وجه دریافتی از آقای ... را به وی مسترد ننماید شش دانگ قطعه زمین پلاک ۴۷۷ به مساحت ۶۸۵ مترمربع در مالکیت نامبرده مستقر و به وی منتقل شود و از طرف دیگر در خصوص شکایت آقای ... و بانو ... نیز مقرر گردیده پس از کسر بر اصلاحی باقیمانده همان زمین متساویاً بین شاکی و مشتکی عنهما تقسیم گردد و این تقسیم در غیاب اصحاب دعوی که ذی‌نفع در قضیه بوده‌اند فاقد محمل و مجوز قانونی بوده است ضرورت داشت چنانچه در گزارش اصلاحی و سازش‌نامه تنظیمی نقض و یا ابهامی وجود داشته باشد با دعوت مجدد اصحاب دعوی و توافق مجدد آن‌ها نسبت به رفع نقص و ابهام و صدور گزارش تکمیلی اقدام مقتضی به عمل می‌آید. علی‌هذا نظر به عدم رعایت موازین قانونی در صدور گزارش و رأی مجدد مستنداً به بند ۲ از ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

نیز همین نظر را تأیید می‌کند. در این بخش مقرر شده است که: «... در صورتی که (رسیدگی به اختلاف) محتاج رسیدگی بیشتری باشد رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ نموده طرفین را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت می‌کند ولی عدم حضور آن‌ها باعث تأخیر رسیدگی نخواهد شد». بدین ترتیب چنانچه وجود ابهام در حکم را نوعی اختلاف در مفاد حکم در نظر بگیریم و این مقرر را از احکام به گزارش اصلاحی نیز تسری دهیم (شمس، ۱۳۹۹؛ ۴۳۸)، دیدگاه کنونی را تقویت خواهیم کرد.

۳.۲. برداشت دادرسی

ممکن است برخی معتقد باشند که پس از احراز وجود ابهام در گزارش اصلاحی باتوجه به این که صدور آن از سوی دادرسی بوده و به نوعی دادرسی نماینده طرفین محسوب می‌شود، بنابراین وی می‌تواند با ملاحظه مجموع اظهارات طرفین در سازش‌نامه و محتویات پرونده، ابهام مفروض را برطرف سازد. اگرچه در این مورد می‌توان دو دیدگاه مجزا نیز قائل شد: نخست در فرضی که دادرسی معتقد باشد به طور کلی نیاز به حضور اصحاب پرونده نیست و مستقلاً می‌تواند به نمایندگی از آنان رفع ابهام کند و در فرض دیگر که پس از دعوت مجدد طرفین به دلیل عدم حضور آنان و یا عدم توافق در رابطه با ابهام مندرج در گزارش اصلاحی می‌تواند به نمایندگی از آنان ابهام موجود را برطرف سازد. به نظر می‌رسد که نتوان این دیدگاه را چه در فرض نخست یا فرض دوم آن صحیح دانست، چراکه همان‌طور که گفته شد، مبنای گزارش اصلاحی سازش طرفین پرونده است و اراده دادرسی در انعقاد آن نقشی ندارد. تجویز نوعی نمایندگی از سوی طرفین پرونده به دادرسی با توجه به مقررات عمومی نیازمند تصریح بوده و به طور کلی در موارد شک در نمایندگی و نیابت اصل بر عدم آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۰؛ ۲۱۳). به همین دلیل نمی‌توان چنین دیدگاهی را به طور کلی پذیرفت.

همچنین این دیدگاه ماهیت گزارش اصلاحی را به صورت تلویحی حکم می‌داند، چراکه قانون‌گذار رفع ابهام از احکام را از جمله تکالیف دادگاه صادرکننده رأی دانسته و دادرس در رابطه با احکام می‌تواند به صورت مستقل ابهامات را برطرف سازد.

۴.۲. فقدان قابلیت اجرایی

در شرایطی که دادگاه به منظور رفع ابهام از گزارش اصلاحی اقدام به دعوت طرفین می‌کند و علی‌رغم دعوت قبلی هر دو طرف در جلسه حاضر نشده و یا در صورت حضور توافقی در خصوص رفع ابهام ندارند و هریک ادعایی متفاوت از دیگری مطرح می‌کند، وضعیت اجرای گزارش اصلاحی مبهم چگونه خواهد بود؟ برای مثال چنانچه به موجب گزارشی اصلاحی شخص «الف» متعهد شده باشد که تعداد پنجاه عدد کتوشلوار سیاه رنگ مردانه به شخص «ب» تحویل دهد و طرفین در زمان اجرا در رابطه با جنس پارچه، مدل و اندازه کتوشلوارها اختلاف کنند و در جلسه رسیدگی نیز هیچ‌گونه توافقی در خصوص موارد اختلافی انجام ندهند، چگونه می‌توان مفاد گزارش اصلاحی را به اجرا گذاشت؟ واضح است که امر مبهم قابلیت اجرا ندارد و در صورت اجرا نیز بیم تضییع حقوق اشخاص خواهد رفت. بنابراین در این فرض باید قائل به عدم قابلیت اجرای گزارش اصلاحی شد. قواعد عمومی از جمله بند ۲ ماده ۲۳۳ قانون مدنی^۱ نیز دیدگاه فوق را تقویت می‌کند. در این صورت به نظر می‌رسد که ذی‌نفع می‌بایست ابتدا اقدام به ارائه دادخواست ابطال گزارش اصلاحی را مطرح کند و پس از ابطال گزارش اصلاحی دعوای خود را مطرح نماید.

نتیجه

در موارد بسیاری ممکن است در گزارش اصلاحی که دادرس برپایه سازش طرفین تنظیم می‌نماید ابهاماتی وجود داشته باشد. با توجه به این که امر مبهم

۱. «شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است. ۱- شرط خلاف مقتضای عقد. ۲- شرط مجهولی

که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود».

قابلیت اجرا ندارد لذا دادرس مکلف است تا اقداماتی در راستای رفع ابهام و اعتباربخشی به سازش طرفین انجام دهد. چندین نظریه در خصوص چگونگی رفع ابهام از گزارش اصلاحی می‌توان مطرح کرد که از جمله آنان عبارت‌اند از: رفع ابهام براساس محتویات پرونده، تشکیل مجدد جلسه رسیدگی و رفع ابهام براساس اظهارات طرفین، رفع ابهام به صورت مستقل از سوی دادرس و عدم قابلیت اجرای گزارش اصلاحی در فرضی که طرفین در جلسه حضور ندارند یا توافقی در راستای امر مبهم نمی‌نمایند. با این حال به نظر می‌رسد که باید مراحلی در رابطه با رفع ابهام در نظر گرفت: نخست چنانچه ابهام موجود امر جزئی و موجود در پرونده رسیدگی باشد، دادرس با مراجعه به محتویات پرونده ابهام را برطرف سازد. چنانچه با مراجعه به محتویات پرونده نتوان ابهامات را برطرف ساخت، در راستای ماده ۲۹ قانون اجرای احکام مدنی دادرس ضمن تشکیل جلسه اراده طرفین را براساس محتویات پرونده و اظهارات طرفین کشف نماید و با رفع ابهام از سازش طرفین مقدمات اجرای گزارش اصلاحی را فراهم کند. وانگهی چنانچه هیچ‌یک از دو مرحله فوق موجب رفع ابهام نشود، باید قائل به عدم قابلیت اجرا گزارش اصلاحی بود. در این حالت با توجه به وصف حاکمیت امر مختوم گزارش اصلاحی، ذی‌نفع گزارش اصلاحی باید پس از ابطال گزارش اصلاحی در مرجع صالح اقدام به طرح دعوای موردنظر خود نماید.

منابع

- ابهری حمید و حسین کویار (۱۳۹۳)، اعتبار گزارش اصلاحی، فصلنامه **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۴، شماره ۳، شماره پیاپی ۳.
- اعظمی چهاربرج، حسین (۱۳۹۱)، **درآمدی بر روش‌شناسی و انواع نقد رأی**، فصلنامه نقد رأی، سال ۱، شماره ۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). **لغت‌نامه دهخدا**، جلد ۹، چاپ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۳). **آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته**، جلد ۲، چاپ ۳۳، تهران: انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۹). **اجرای احکام مدنی**، جلد نخست قواعد عمومی، تهران: انتشارات دراک.
- صمدی اهری، محمد هاشم (۱۳۷۸). **کتاب نظریات قضایی دادستانی کل کشور در اجرای مواد ۱۸ و ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، آراء جزائی ۱۳۷۵**، جلد ۱، تهران، انتشارات گنج دانش.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، انتشارات راه رشد.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). **اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی**، چاپ ۱۰، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، چاپ ۳۱، تهران: نشر میزان.
- کارچانی مهدی و مصطفی عبدالهی (۱۳۹۶)، **گزارش نشست نقد رأی: اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی (نقد رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران)**، فصلنامه نقد رأی دوره ۶، شماره پیاپی ۲۱.
- لنگرودی، محمدجعفر جعفری (۱۳۸۸). **ترمیمولوژی حقوق**، چاپ ۲۲، تهران: انتشارات کتابخانه گنج‌دانش
- معین، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ معین**، جلد ۱، چاپ ۴، تهران، انتشارات آدنا.
- مهاجری، علی (۱۳۹۷). **دانشنامه اجرای احکام مدنی**، جلد ۱، چاپ ۳، تهران، انتشارات فکرسازان.
- مهاجری، علی (۱۳۸۷). **مبسوط در آیین دادرسی مدنی**، جلد ۲، تهران: انتشارات فکرسازان.